

بررسی سفر قهرمان در رمان سه‌گانه‌ی *آشوزدنگه* اثر آرمان آَرین براساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمپیل

محمدجواد مهدوی**

نسترن قره‌باغی*

دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

جوزف کمپیل با بررسی داستان‌های جهان، الگوی واحد و گسترده‌ای با عنوان «سفر قهرمان» برای تمام داستان‌ها و حتی زندگی انسان‌ها مطرح کرد. تکیه بر قهرمان به‌عنوان یکی از عناصر داستان نوجوان، اهمیتی خاص دارد و انتخاب روش زندگی و منش قهرمانان می‌تواند دید نوجوانان را به زندگی و هدف آن گسترده‌تر کند. مجموعه رمان *آشوزدنگه* قهرمانی *آشوزدنگه* و شخصیت اصلی آن با ویژگی جاودانگی و هدف معنادارش، گزینه‌ی مناسبی برای بررسی الگوی سفر قهرمانی بود. از این رو، هدف از این پژوهش، نقد سفر قهرمان و بررسی تفاوت‌های روایت *آشوزدنگه* با الگوی سفر قهرمان کمپیل بود؛ به همین دلیل، مراحل هفده‌گانه‌ی الگوی کمپیل در سفر قهرمان نوجوان داستان بررسی شد. در این بررسی مشخص گردید که قهرمان داستان در نبرد درونی خویش و در برابر اهریمن پیروز و به ارباب دو جهان تبدیل می‌شود. همچنین محققان در مراحل شکم‌نهنگ، امداد غیبی، زن در نقش وسوسه‌گر و جاده‌ی آزمون‌ها، جابه‌جایی و تکرار را در مقایسه با الگوی کمپیل ملاحظه کردند. براساس بررسی‌های صورت‌گرفته می‌توان گفت که الگوی سفر قهرمان با اینکه برگرفته از داستان‌های جهان است، نمی‌تواند جوابگوی همه‌ی رخدادهای داستانی باشد؛ با وجود این تفاوت‌ها، داستان *آشوزدنگه* با کلیت الگوی سفر قهرمانی کمپیل هم‌خوانی دارد.

واژه‌های کلیدی: آرمان آَرین، *آشوزدنگه*، سفر قهرمان، کمپیل، کهن‌الگو.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی n.gharehbaghi@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی mahdavy@um.ac.ir

۱. مقدمه

کهن‌الگوها مفاهیم مشترکی هستند که در ضمیر ناخودآگاه جمعی بشر جای دارند، آن‌ها در خزانه‌ی فکری اقوام مختلف ذخیره شده‌اند و در آیین‌های مذهبی، اسطوره‌ها و ادبیات نمود پیدا می‌کنند. با نقد کهن‌الگویی (اسطوره‌ای) می‌توان نشان داد که چگونه ذهن شاعر و نویسنده، این صور اساطیری را که محصول تجربه‌های مکرر بشر است جذب می‌کند و آن‌ها را به شیوه‌ای نمادین نمایش می‌دهد. نقد اساطیری تک‌بعدی نیست و وجوه مختلفی را در برمی‌گیرد. این نقد می‌تواند نشان دهد چرا و از کجا آمده‌ایم.

در این راستا، جوزف جان کمپبل^۱، فیلسوف آمریکایی (۱۹۸۷-۱۹۰۴)، با طرح نظریه‌ی خاص «تک‌اسطوره» با تحلیل توالی اعمال قهرمانان در کتاب *قهرمان هزار چهره*^۲ (۱۹۴۹) تأثیر انکارناپذیری بر نقد اساطیری گذاشت. از دیدگاه کمپبل، کارایی الگوی سفر قهرمان به داستان و اسطوره محدود نیست؛ بلکه در زندگی روزمره‌ی انسان‌ها نیز کاربرد دارد. بنابراین با بهره‌گیری از این الگو در زندگی می‌توان روش زندگی را تغییر داد. با اینکه کارل یونگ^۳ و محققان دیگری پیش و پس از کمپبل به موضوع کهن‌الگوها پرداخته‌اند؛ این جوزف کمپبل بود که توجه ویژه‌ای به یکی از مهم‌ترین کهن‌الگوها یعنی، کهن‌الگوی قهرمان نشان داد و صاحب‌نظران بسیاری پس از کمپبل، همچون ووگلر^۴ به آن رجوع کرده‌اند. کمپبل برای تحکیم الگوی خود، نمونه‌های بسیاری از سراسر جهان به دست آورد.

براساس دیدگاه کمپبل گذر از هریک از دوره‌های زندگی با اجرای آیین‌هایی همراه بوده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بلوغ و ورود کودک به دوران بزرگ‌سالی (نوجوانی) است. دوره‌ی نوجوانی نقش مهم و انکارناپذیری در شکل‌گیری هویت فرد دارد و الگوپذیری از قهرمان در این سن شدت می‌یابد. او می‌خواهد بدانند کیست و جایگاهش در هستی کجاست. اسطوره‌ها و قهرمانان نه تنها هیجان‌خواهی او را ارضا می‌کنند؛ بلکه به سؤالات بنیادین او نیز پاسخ می‌دهند. از این رو، داستان‌هایی که براساس الگوی قهرمانی خلق می‌شوند، برای بسیاری از آنان جذاب است و اگر نوجوان مفاهیم ارزشمند پنهان در الگوی سفر قهرمان را بیاموزد، به انسان بهتری تبدیل خواهد شد.

^۱ Joseph John Campbell

^۲ The Hero with a Thousand Faces

^۳ Carl Yung

^۴ Woegler

به همین دلیل، آرمان آراین به روایت داستان‌های قهرمانی برای نوجوانان همّت گمارده است. مجموعه داستانی سه‌جلدی او با نام *اشوزدنگه* توجه علاقه‌مندان و منتقدان را به خود جلب و جوایزی^(۱) را کسب کرده است. نکته شایان تأمل درباره‌ی این نویسنده، توجه وی به اسطوره‌شناسی و اهداف معنادار و مفاهیم باارزشی است که در بطن این داستان دنبال می‌کند. خط داستانی *اشوزدنگه* و مسیر سفر شخصیت داستان از نوجوانی خام و ناپخته تا رسیدن به پختگی، بلوغ و رهایی از بند جاه‌طلبی‌های فردی، زمینه و قابلیت بررسی اسطوره‌ای قهرمانی را دارد. الگوی سفر قهرمان کمپبل می‌تواند برای ارائه‌ی تحلیل ساختاری از روند استحال‌ی قهرمانان تا تبدیل شدن به انسانی والا به کار رود. از این رو، محققان این نظریه‌ی مهم و پایه‌ای اسطوره‌شناسی را در مجموعه داستانی *اشوزدنگه* نقد و بررسی کرده‌اند.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

براساس نظر کمپبل، سفر پهراس قهرمان برای اکتشاف نیست؛ بلکه برای بازیافتن نیروهای الهی است که قهرمان به جستجوی آن‌ها برخاسته است. نیروهایی که در تمام این مدت در قلب خود قهرمان وجود داشته‌اند و او فقط باید خود را بشناسد (رک. کمپبل، ۱۳۹۶: ۴۷). از دیدگاه او، قهرمان کسی است که بتواند از محدودیت‌های شخصی یا بومی گذر کند و به اشکال انسانی برسد. او می‌میرد و چون انسانی کامل دوباره متولد می‌شود تا به سوی ما بازگردد و درسی را به ما بیاموزد که از زندگی تازه آموخته است (همان، ۳۱). کمپبل با بررسی اساطیر و روایات قهرمانی جهان، الگوی سفر قهرمانی را طراحی کرد و سه مرحله و هفده گام در سفر قهرمان تشخیص داد. کمپبل این سفر را شامل مراحل زیر می‌داند: ۱. جدایی؛ شامل «دعوت به آغاز سفر»، «ردّ دعوت»، «امداد غیبی»، «عبور از نخستین آستان» و «شکم نهنگ»؛ ۲. رهیافت؛ شامل «جاده‌ی آزمون‌ها»، «ملاقات با خدایان»، «زن در نقش وسوسه‌گر»، «آشتی با پدر»، «خدایگان» و «برکت نهایی»؛ ۳. بازگشت؛ شامل «امتناع از بازگشت»، «فرار جادویی»، «کمک از خارج»، «عبور از آستان بازگشت»، «ارباب دو جهان» و «رها و آزاد در زندگی» (همان، ۴۵-۴۶). تحقیقات متعددی پیرامون کهن‌الگوها و الگوی سفر قهرمان کمپبل انجام شده است. از جمله تحقیقاتی که به بررسی کهن‌الگوی سفر قهرمان در آثار ادبی پرداخته‌اند، می‌توان به

نمونه‌های زیر اشاره کرد. ریحانی‌فرد (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «نمادشناسی کهن‌نمونه‌ها در قصه‌های شیخ اشراق براساس اسطوره‌ی یگانه» تحلیلی کهن‌الگویی از قصه‌های رمزی شیخ اشراق انجام داده است. آقاجانی‌زلتی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان بررسی کهن‌الگوی سفر قهرمان در شاهنامه ساختار ویژه‌ی این سفر را در شاهنامه بررسی کرده است. معقولی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه‌ی تطبیقی کهن‌الگوی سفر قهرمان در محتوای ادبی و سینمایی» میزان انطباق الگوی سفر قهرمان را در دو اثر بررسی کرده‌اند. طاهری و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی با عنوان «تبیین کهن‌الگوی سفر قهرمان براساس آرای یونگ و کمپیل در هفت‌خوان رستم» بیان کردند که آرای کمپیل درباره‌ی کهن‌الگوی سفر قهرمان، قابلیت‌های فراوانی برای تجزیه و تحلیل تطبیقی و زیبایی‌شناسی آثار داستانی به‌ویژه حماسه‌های کهن دارد. همچنین عبدالله‌زاده برزو و همکاران (۱۳۹۸) در جدیدترین مقاله‌ی خود با عنوان «نقد کهن‌الگویی سفر قهرمان در داستان ماهی سیاه کوچولو براساس نظریه کمپیل و پیرسن» به نقد کهن‌الگویی داستان و بررسی دوازده کهن‌الگوی فعال در روان فرد پرداخته‌اند.

همچنین تحقیقاتی به‌طور خاص به بررسی الگوی سفر قهرمان کمپیل پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد. یداللهی‌شاه‌راه (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تکامل شخصیت وهاب در زمینه‌ی عشق در داستان خانه‌ی ادریسی‌ها بر مبنای الگوی سفر قهرمان کمپیل» به نشان‌دادن انطباق طرح تکامل شخصیت قهرمان داستان با الگوی سفر قهرمان کمپیل مبادرت ورزیده است. امیرخانی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان بررسی جایگاه اسطوره در آثار نمایشی بیضایی با الگوی سفر قهرمان کمپیل به این نتیجه رسید که مراحل پایانی الگوی کمپیل در برخی داستان‌های بررسی شده مشاهده نمی‌شود. امامی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل منظومه‌ی مانلی براساس الگوی سفر قهرمان کمپیل» بیان کرده‌اند که اگرچه این الگو به لحاظ تفاوت فرهنگ‌ها و زمان‌ها دچار تغییر و تحول می‌شود، اما اساس آن همواره ثابت است. ایروانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل داستان شیخ صنعان در منطق‌الطیر براساس کهن‌الگوی سفر قهرمان کمپیل» بیان کرده‌اند که یکی از شیوه‌های مناسب برای درک ساختار رمزی داستان شیخ صنعان، کهن‌الگوی سفر قهرمان کمپیل است. ذبیحی و

همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی با عنوان «تحلیل کهن‌الگوی سفر قهرمان در *داراب‌نامه* براساس الگوی کمپبل» میزان تطابق سفر داراب را با الگوی کمپبل بررسی کرده‌اند. در این بررسی مشاهده شد که مراحل فرار جادویی و دست نجات از خارج از الگوی کمپبل در داستان داراب وجود ندارد. ورزدار (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان *بررسی نظریه‌ی سفر قهرمان در منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه با رویکرد تک‌اسطوره کمپبل* به بررسی و مطابقت مؤلفه‌های الگوی کمپبل در داستان‌های عطار پرداخته و بیان کرده است که سفر قهرمان الگویی جهانی است که در هر فرهنگی و زبانی اتفاق می‌افتد. فولادی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی و نقد داستان بیژن و منیژه براساس کهن‌الگوی سفر قهرمان کمپبل» تلاش کرده‌اند تا با تطبیق مراحل سیر قهرمان کمپبل با این داستان، میزان انطباق و نقش شخصیت‌ها را بررسی کنند.

در تحقیقاتی نیز به بررسی آثار آرین پرداخته شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود. پیرصوفی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «طرحی نو در خلق شخصیت‌های اساطیری، نگاهی به رمان *پیش‌خوارگر*» به نقد ادبی این رمان اسطوره‌ای آرین پرداخته‌اند. منصوری‌زاده (۱۳۹۵) نیز در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان *نقد و تحلیل محتوایی رمان پارسیان و من اثر آرین* بیان کرده است که پارسیان و من از داستان‌های موفق در میان آثار تألیفی به شمار می‌رود. به‌طور خاص، ملکی‌سروستانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی سفر قهرمان در سه‌گانه‌ی اشوزدنگه از آرمان آرین» این رمان را با تکیه بر نظریه‌های کمپبل و وگلر بررسی نموده است. حسین‌پور (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان *بررسی کهن‌الگوی سفر در پارسیان و من مراحل سفر قهرمان اسطوره‌ای این سه داستان را با الگوی سفر قهرمان کمپبل تطبیق داده است*.

بررسی‌ها نشان داد که پژوهش‌های اندکی به بررسی الگوی کمپبل در رمان‌های نوجوان پرداخته‌اند و این حوزه پژوهش بیش‌تری را می‌طلبد. همچنین پژوهش‌ها می‌تواند به غنی‌تر شدن و هدفمندی نگارش داستان‌های نوجوان کمک کند. محققان تلاش کردند تا با انتخاب این موضوع، بخش کوچکی از این خلأهای پژوهشی را در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان پوشش دهند.

گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای بوده است و محققان با استفاده از فیش‌برداری منابع معتبر و بازخوانی آن‌ها به بررسی مجموعه‌ی رمان سه‌گانه‌ی *اشوزدنگه* اثر آرمان آراین با عنوان‌های *اسطوره‌ی هم/کنون*، *اهریمنان یکه‌تاز* و *حماسه‌ی نجات‌بخش* اقدام کرده‌اند. همچنین، پژوهش حاضر به روش توصیفی (از نوع تحلیلی و به‌صورت کیفی) به تجزیه و تحلیل رمان بر مبنای الگوی سفر قهرمان کمپیل پرداخته است. پیش‌فرض‌های تحقیق به شرح زیر است:

۱. قهرمان در رمان *اشوزدنگه* جاودانه می‌شود؛ در نبرد درونی خویش و در برابر جادوگران اهریمن پیروز و با فرار اهریمن، به ارباب دو جهان تبدیل می‌شود.
۲. مراحل شکم‌نهنگ، امداد غیبی، دیدار با خدایان و جاده‌ی آزمون‌ها از الگوی سفر قهرمان کمپیل در رمان *اشوزدنگه* تکرار می‌شوند.

۳. تجزیه و تحلیل داستان

رمان *اشوزدنگه* به سیر و سفر شخصیت نوجوانی به نام اشوزدنگه می‌پردازد که بر اثر اتفاقی، جاودانه شده است. نوشتار حاضر می‌کوشد این رمان را براساس مراحل الگوی سفر قهرمان کمپیل تحلیل کند. لازم به ذکر است که به‌دلیل تکرار و جابه‌جایی برخی مراحل در داستان، امکان تقسیم‌بندی به بخش‌های کلی جدایی، رهیافت و بازگشت وجود ندارد.

۳.۱. دعوت به آغاز سفر

براساس نظر کمپیل اشتباهی از سر اتفاق، جهانی ناشناخته را در برابر قهرمان آشکار میکند (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۶۰). در داستان *اشوزدنگه* شخصیت نوجوان داستان از سر اتفاق در میان صحنه‌ی قتل رها می‌شود، اما نمی‌تواند در برابر بطری معجون، خوددار باشد و حسِ نفسانی «همیشه‌بودن» او را ترغیب می‌کند تا معجون را سر بکشد و در مسیر ناشناخته‌ای قدم بگذارد. در داستان‌ها، ترس از دست‌دادن جان، مال یا نزدیکان انگیزه‌ای برای آغاز سفر بوده است؛ به‌طور مثال، کشته‌شدن مادر اردشیر در داستان *کاخ‌ازدها* (رک. آراین، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۲-۲۳) چنین نقشی برای اردشیر دارد.

جدول ۱. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
تنهاماندن اشوزدنگه	کشته‌شدن استاد به دست جادوگر
یافتن معجون اسرارآمیز	عامل قتل شناخته‌شدن
سرکشیدن معجون	حس «همیشه‌بودن»

۳.۲. عبور از نخستین آستان

کمپیل درباره‌ی این مرحله می‌گوید: «قهرمان مقابل در ورود به سرزمین اعلا با نگهبانان آستانه مواجه می‌شود. آن‌سو، تاریکی ناشناخته و خطر در انتظار است» (کمپیل، ۱۳۹۶: ۸۵). در داستان اشوزدنگه، جادوگران، سربازان و مغان نقش نگهبانان آستانه را دارند که در برابر در ورودی دنیای ناشناخته ایستاده‌اند. اشوزدنگه پس از انداخته‌شدن به سیاه‌چال و خروج از دخمه‌ی مردگان از نخستین آستان عبور می‌کند. نمونه‌ی عبور از نخستین آستان را در داستان‌های دیگر نیز می‌توان دید. گرفتاری خیر در بیابان گرم نقش عبور از نخستین آستان را برای قهرمان دارد (رک. نظامی، ۱۳۸۹: ۲۸۴). همچنین خشم شاه و کینه‌ی اسفندیار همچون دو نگهبان برای او عمل می‌کنند (رک. فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۷۳).

جدول ۲. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
قاتل شناخته‌شدن	هجوم سربازان
مردن و زاده‌شدن در دخمه‌ی مردگان	انداخته‌شدن به سیاه‌چال و دریده‌شدن چشمان

۳.۳. شکم نهنگ (اول)

براساس اعتقاد کمپیل، قهرمان به‌وسیله‌ی ناشناخته‌ها بلعیده می‌شود و به‌ظاهر می‌میرد (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۹۶). اشوزدنگه نیز چشمانش را در گودال شیرها از دست می‌دهد و در تاریکی درونش غوطه‌ور می‌شود. از سویی دیگر او در دخمه مردگان گرفتار می‌گردد که می‌تواند نماد مرگ ظاهری قهرمان باشد. نمونه‌ی این مرحله در داستان‌های دیگر نیز مشاهده می‌شود. حضرت یونس (ع) با گرفتار شدن در شکم نهنگ (رک. محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۸-۲۵۰)،

اردشیر با ورود به سرزمین ناشناخته (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۶) و بردیا در هنگام سقوط هواپیما (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۰)، در ظاهر در جهان مادی می‌میرند تا دوباره زاده شوند.

جدول ۳. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
مرگ ظاهری قهرمان	گودال شیرها، نابینایی و افتادن در دخمه‌ی مردگان

۳.۴. ردّ دعوت

نظر کمپیل درباره این مرحله این است که فرد قادر به جداشدن از فضای احساسی و ایده‌آل‌های آن نیست، گوش‌ها را می‌بندد و حواس را متوجه چیز دیگری می‌کند (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۶۷). اشوزدنگهه نیز بدون اینکه بداند دقیقاً چه اتفاقی برایش افتاده است، از هرچیز غیر از معشوقه‌اش دست می‌کشد. این مرحله در اکثر داستان‌ها دیده می‌شود؛ از جمله بی‌تفاوتی اسفندیار (رک. فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۹۶) و ترس بردیا (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۰) که نقش ردّ دعوت را دارد.

جدول ۴. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
دست‌کشیدن از هرچیز غیر از معشوقه‌اش	دیدن پروانه و مجذوب او شدن

۳.۵. امداد غیبی (اول)

کمپیل درباره‌ی این مرحله معتقد است قهرمان در اولین مرحله با موجودی حمایت‌کننده روبه‌رو می‌شوند (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۷۵). اشوزدنگهه پس از مرگ معشوقه‌اش بی‌هدف و سرشار از نفرت است. او انتخاب شده و در این راه قدم گذاشته است؛ پس موجود حمایت‌کننده برای هدایت و راهنمایی او در نقش پیرمردی سبزپوش ظاهر می‌شود.

جدول ۵. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
بی‌هدف‌شدن و نفرت	مرگ معشوقه‌اش
ظاهرشدن پیرمردی سبزپوش	آشکارشدن واژگانی از سوی خدا
ملاقات شاه موجودات ناپیدا؛ معرفی دژ جمکرد	شوق رهایی از جاودانگی

۳.۶. زن در نقش وسوسه‌گر (اول)

کمپیل درباره‌ی این مرحله بیان می‌کند که هرکس باید جایگاه خود را بیابد، دیوهایش را بشناسد و بداند آن‌ها انعکاس نفس اویند (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۱۲۸). اشوزدنگه نیز با وجود نیروی ذهنی‌اش، گرفتار اصولی شده است که برای خود دست‌وپا کرده است و در ابتدا نمی‌خواهد به یاران ملکه‌ی کشورش کمک کند، اما در نهایت زنجیرهای این اصول را پاره می‌کند و دشمن را می‌کشد. او از وسوسه‌ی جاه و مقام نیز رها می‌شود و ملکه را ترک می‌کند. به‌دلیل تأثیرپذیری کمپیل از یونگ، ذکر این نکته ضروری است که در روان‌شناسی یونگ از این سیروسفر فرازمانی و فرامکانی با عنوان فردیت یا سفر ناخودآگاه تعبیر می‌شود (رک. حسینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). آنیما حلول ویژگی‌های زنانه در روان مرد است که می‌تواند مرد را از آنچه به سویش در حرکت بوده است، منحرف کند. چنان‌که زن وسوسه‌گر نیز در الگوی کمپیل همین مسیر را پیش می‌رود و ممکن است قهرمان را به کلی از راهی که او را می‌خواند باز دارد. از سوی دیگر نیز ممکن است قهرمانی همچون برنارد در برابر این وسوسه‌ها (آوازه‌خوانی زن) مقاومت کند (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۱۳۱). از این‌رو، این مرحله با ویژگی‌های آنیمای یونگ همخوانی دارد. کمپیل در این‌باره می‌گوید: «زندگی و مخصوصاً زن به‌عنوان سمبل بزرگ زندگی در چشم پرهیزگاران، غیرقابل تحمل می‌شود. جوینده‌ی زندگی باید به فراسوی این مادر برسد، از وسوسه‌هایش گذر کند و در فضای اثری پاک به پرواز درآید» (همان، ۱۲۹).

جدول ۶. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
پذیرش کشتن فرمانده دشمن	گرفتاری ملکه در چنگال دشمن
سوء قصد به جان اشوزدنگه و کشته‌شدن فرمانده	جاه‌طلبی فرمانده برای خود و خدایش
ترک کاخ	درخواست ازدواج از سوی ملکه

۳.۷. جاده‌ی آزمون‌ها (اول)

به باور کمپیل «سختی کار در جاده‌ی آزمون‌ها مشکلی است که هنگام عبور از نخستین آستان نیز وجود داشت و مسأله این است که آیا «من» خود را به دست مرگ می‌سپارد؟!» (همان،

¹ Ego

(۱۱۵)، اما آنچه در این داستان وجود دارد، این است که شخصیت اصلی داستان از نیروهای درونی و موهبت جاودانگی برخوردار است. می‌توان گفت این موهبتی از سوی نیروهای فرابشری است تا آنجا که نیاز است، بدون ترس از مرگ با اهریمن صفتان بجنگد. مسئله‌ی مهم در این داستان وجوه استفاده از جاودانگی است؛ آیا آن را در راه یکتاخدا به کار می‌برد یا در راه اهریمن یا حتی بی تفاوت، به زندگی‌اش می‌پردازد. بی تفاوت نبودن به رخدادهای و به‌کارگیری نیروها در جهت حق، نشان‌دهنده‌ی این است که اشوزدنگه «من» خود را به دست مرگ نسپرده است.

جدول ۷. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
حمله به دشمن و نجات نانا و کودک	پناه نانا و کودک، تهدید به ویرانی شهر توسط آشوریان

۳. ۸. امداد غیبی (دوم)

کمپیل معتقد است که «همیشه نیروی حمایت‌کننده در حرم دل حاضر است و درون یا پشت هیئت‌های ناشناس زندگی، پنهان شده است. فقط باید به او اطمینان کرد، آن‌گاه نگاهبانان ازلی ظاهر خواهند شد. وجود حامی نشان می‌دهد که آن سوی دیگر وجود، آن نظام برتر، حامی شخصیت خودآگاه ماست» (همان، ۸۱-۸۲). در این مرحله اشوزدنگه با دیدار پیامبران و مطالعه کتاب‌های مقدس آنان دوباره مصمم به ادامه راه می‌شود.

جدول ۸. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
بشارت نوزاد به یافتن مطلوب	سفر به اورشلیم و دیدار مسیح (ع)
خواندن کتاب مقدس پیامبر (ص) و ایمان به آن	بیست‌سال زندانی در زمان ظهور پیامبر (ص)

۳. ۹. جاده‌ی آزمون‌ها (دوم)

کمپیل درباره‌ی این مرحله از امدادرسانی سخن می‌گوید که با نصایح، طلسم‌ها و مأموران مخفی به‌طور نهانی به قهرمان یاری می‌رساند (رک. همان، ۱۰۵)، اشوزدنگه با قبول خطر ورود به کاخ، کتاب ورجمکرد را از زبیده که نقش حامی او را دارد، تحویل می‌گیرد. این خطرپذیری در داستان‌های دیگر نیز دیده می‌شود. به‌طور مثال، ورود بردیا به شهر و کسب اطلاعات (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۹۴-۹۵) نقش جاده‌ی آزمون‌ها را برای بردیا دارد.

جدول ۹. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
قبول خطر ورود به کاخ	یافتن کتاب مهم ورجمکرد

۳. ۱۰. جاده‌ی آزمون‌ها (سوم)

براساس نظر کمپیل در این مرحله، حس و انرژی وجود انسان، پاک و فروتن، به‌سوی تعالی متمرکز می‌شود (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۱۰۹). اشوزدنگه با به‌جوش آمدن خشمش در غاری که اسیر مغولان شده است، به خودش بازمی‌گردد. او در هنگام تلاش برای یافتن دژ و نیافتن آن، به راستی خود را گم کرده است، اما ناگهان می‌فهمد که می‌تواند مفید باشد و وجودش بیهوده نیست. نمونه‌هایی از آزمون قهرمانان می‌توان به جنگ بردیا با راهزنان (رک. آراین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۶۱-۵۹) و ظهور فریدون برای نجات دختران جمشید از دست ضحاک (رک. فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۵) اشاره کرد. در این داستان، آراین با این روایت در تلاش است تا نشان دهد اشوزدنگه، همچون فریدون در جاده‌ی آزمون‌های خود به‌سوی تعالی، «زن» را که نماد زندگی بر روی زمین است، نجات می‌دهد. زمانی که یکی از مغولان با نگاه ناپاک خود، همچون ضحاک تصمیم به تعرض به زنان می‌گیرد، خون پاک اهورایی اشوزدنگه به جوش می‌آید و به نبرد برمی‌خیزد. در این دوره‌ی زمانی، مغولان همان‌طور که ضحاک به‌عنوان نماد اژدهاوشی و خشکسالی، دختران جمشید (نماد باروری) را به اسارت درآورد و بر جمشید (نماد پهلوانی) فائق آمد، خاک بارور ایران را که در آن بذر علم، ادب و هنر به عمل می‌آمد، به توبره کردند و هرآنچه نماد فرهنگ این سرزمین بود را به آتش کشیدند. به نظر می‌رسد آراین، شخصیت اشوزدنگه را صرفاً نه برای نجات دو زن، بلکه برای نجات رویش و زندگی در خاک پاک ایران‌زمین و نه در برابر دو مغول بلکه در برابر نماد خشکاندن ریشه‌ی فرهنگ این سرزمین شخصیت‌پردازی کرده است.

جدول ۱۰. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
نجات زنان و بازگشت به خود	اسارت در دست مغولان

۳. ۱۱. امداد غیبی (سوم)

اشوزدنگه در عصر صفویان تلاش می‌کند زندگی معمولی در پیش بگیرد که بار دیگر پیرمرد سبزپوش را ملاقات می‌کند. هم‌راستا با دیدگاه‌های کمپیل می‌توان گفت پیرمرد

باز هم در نقش حامی برای کمک به اشوزدنگه راهی می‌شود، اما فقط مسیر راه حقیقت را نشان می‌دهد و یافتن حقیقت را به خود او واگذار می‌کند. اشوزدنگه سلاح معنوی ذکر نام خدا را با خود همراه دارد. اسم اعظم، سه درجه دارد که یکی از آن‌ها الفاظ است، اما راه رسیدن به اسم اعظم فقط با تزکیه‌ی نفس در قلب و عمل حاصل می‌شود (رک. معصوم، ۱۳۸۴: ۸۳). اشوزدنگه با یاد خدا و دل از غیر او بریدن به نام اعظم خدا دست یافته و از آن همچون سلاحی برای از میان بردن باطل استفاده می‌کند. نمونه‌ی توسل به یاد خدا در داستان‌های دیگر نیز مشاهده می‌شود. به‌طور مثال، استفاده از دعا و یاد خدا در هفت‌خوان رستم (رک. فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۳، ۲۹، ۳۱، ۴۰) نقش امداد غیبی را برای رستم دارد.

جدول ۱۱. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
نشانی غار خفّاش ایلام	ملاقات پیرمرد سبزپوش

۳.۱۲. شکم نهنگ (دوم)

کمپیل معتقد است قهرمانی که اتصالش به «من» از بین رفته است، به درون و بیرون ازدها پا می‌گذارد (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۹۹). رمز ورود به جایگاه جاودانان در قلعه‌ی جمشید «آشه» است؛ این بدین معنا بوده که تنها با نام خداوند است که می‌توان به جایگاه جاودانان وارد شد. اشوزدنگه در زمان ورود به غار چیزی نمی‌بیند تا اینکه با شجاعت پیش می‌رود و چشمانش حقیقت را می‌بیند. این نابینایی ظاهری در هنگام ورود به غار در داستان دیگری از آرین نیز مشاهده می‌شود. سیاوش نیز در هنگام ورود به غار چشمانش را می‌بندد (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۸). ورود به غار و چشمان بسته (یا نابینایی ظاهری)، هر دو نقش شکم نهنگ را برای این دو قهرمان بازی می‌کند.

جدول ۱۲. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
یافتن غول چراغ جادو و گرفتن راهنمایی	رهاکردن ذهن در غار خفّاش
ورود به غار و گرفتن رمز	یافتن فردی که رمز ورود را می‌داند

۳.۱۳. آشتی و هماهنگی با پدر

براساس نظر کمپیل با پشت‌سرگذاشتن هیولای دوگانه‌ای که فکر می‌کند خدا یا من برتر است، می‌توان با پدر آشتی کرد یا با او یکی شد (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۷). «پدر

یا جانشین پدر نشانه‌ها را فقط به پسری می‌سپارد که از تمام انرژی‌های عاطفی کودکانه‌ی نابجا پاک شده باشد. او کسی است که می‌تواند با عدل و بدون غرض‌ورزی از قدرت بهره‌گیرد و ناخودآگاهش او را از این مهم باز نمی‌دارد و حاضر به سوءاستفاده از قدرت نیست» (همان، ۱۴۱-۱۴۲). مرحله آشتی و هماهنگی با پدر، باژگونه‌ی الگوی تقابل پدر و پسر و کشتن / کشته‌شدن پدر / پسر (رک. پاکرو، ۱۳۹۴: ۴۷۱) است. در داستان حاضر پسر با پدر آشتی می‌کند و این آشتی او را در رسیدن به فردیت که همان هم‌پوشانی من و فرامن است یاری می‌رساند. او با این پیوند به کمال نزدیک می‌شود؛ البته در الگوی کمپیل به نقش دیوماند پدر نیز اشاره شده است (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۱۳۸-۱۳۷). نمونه‌ی یکی‌شدن با پدر در قرآن کریم نیز دیده می‌شود؛ جایی که خداوند از رحمت خاصش نسبت به پرهیزگاران نام می‌برد (رک. اعراف / ۱۵۶). همچنین در دو داستان دیگر از آرین، جانشینی بردیا از سوی کوروش (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۱۵) و ارتباط تنگاتنگ رستم با سیاوش (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۷۶-۲۷۷) نیز نقش آشتی و هماهنگی با پدر را برای قهرمانان دارد.

جدول ۱۳. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
ورود با راهنمایی پرنده	یافتن مکان ورجمکرد
دیدن زندگی‌اش در گوی	دیدار کیخسرو
ورود به منزلگاه پدر یا جانشینش	عدم انحراف از راه حق و موفقیت در آزمون‌ها
مأموریت حفاظت سمبول پدر	کیخسرو در جایگاه جانشین پدر (خدا)

۱۴.۳. خدایگان

کمپیل درباره‌ی این مرحله به روشنی از سرمنشأ روح انسان‌ها سخن می‌گوید: «آن رنجبر درون ما، همان وجود الهی است. آن پدر جهانگیر و ما یکی هستیم و این بینشی رهایی‌بخش است. اگر خدای ما کهن‌الگوی قبیله‌ای، قومی یا ملی باشد، ما جنگجویان راه او می‌شویم، ولی اگر خداوندگار تمام کاینات باشد، آن‌گاه عارفانی خواهیم بود که در نظرشان همه‌ی انسان‌ها برابرند» (کمپیل، ۱۳۹۶: ۱۶۸). کمپیل، مصداق سخن خود را تغییر و تحول بودا می‌شمرد (رک. همان، ۱۵۶). اشوزدنگه در این مرحله به عارفی تبدیل شده است که می‌خواهد جان تمامی انسان‌ها حتی دشمن دیرین خود را نجات دهد و به‌سوی خدا رهنمون شود.

جدول ۱۴. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
عارف‌شدن و نجات تمامی انسان‌ها	تلاش برای رهنمون‌شدن جادوگر به سوی «او»
بار سنگین نگاهبانی صور	آماده انجام این مسئولیت

۳. ۱۵. برکت نهایی

به باور کمپیل «رنج عبورکردن از محدودیت‌های شخصی، رنج رشد معنوی است. هنر، ادبیات و اسطوره همه اسبابی هستند که به انسان در گذر از افق محدودکننده به سوی افلاک بالاتر کمک می‌کنند. ذهن، به درکی ورای همه‌ی تجربیات شکل و ظاهر، یعنی درک آن تهی غیرقابل‌انکار می‌رسد» (همان، ۱۹۹). براساس دیدگاه‌های کمپیل می‌توان گفت که برکت نهایی برای اشوزدنگه تنها یافتن صور و نگاهبانی از آن نیست، بلکه برکت اصلی او در این سفر، یافتن خود، خودآگاهی و در پس آن خداشناسی است. او درمی‌یابد که جاودانگی‌اش بیهوده نبوده و نقشی در مسیر حکمت‌های باری تعالی داشته و اینک نقش مهم‌تری به او سپرده شده است. در داستان‌های دیگر نیز نمونه‌ی مرحله‌ی برکت نهایی تشخیص داده شده است؛ از آن جمله خودشناسی داراب (رک. طرسوسی، ۱۳۵۶: ۲۹۰)، رسیدن خیر به معرفت (رک. نظامی، ۱۳۸۹: ۲۷۸)، شجاعت و تجربیات اردشیر (رک. آراین، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۱۷) و آگاهی بردیا (رک. آراین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۱۹) نیز نقش برکت نهایی برای قهرمانان داستان‌ها داشته است.

جدول ۱۵. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
دستیابی به قدرت درک بالا	وسعت دید و شناخت خود و خدا
پیروزی بر دیوهای درون	مسئولیت نگاهبانی از ساز رستاخیز
مسئولیت شکست اهریمنان دنیای خارج	حفظ صور تا رستاخیز

۳. ۱۶. ملاقات با خدایانو

نظر کمپیل درباره‌ی خدایانو این است که این بانو، معیار تمام زیبایی‌ها، پاسخی به تمام خواسته‌ها و هدفی موهبت‌آور برای قهرمانانی است که به طلب خواسته‌های زمینی و یا ماورایی برآمده‌اند. او آرامش و اطمینان روح است (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۱۱۷). ملاقات با

خدابانو، آخرین آزمون قهرمان برای به‌دست‌آوردن موهبت عشق (یا محبت) است و این موهبت چیزی جز لذت‌بردن از زندگی به‌عنوان نمونه‌ای کوچک از جاودانگی نیست (همان، ۱۲۶). بدین ترتیب بانو لاله برای اشوزدنگه موهبتی است که در لحظات حساس جدال با اهریمنان به او آرامش قلبی هدیه می‌کند. اشوزدنگه در ذهن خود، عشقش به پروانه در هزاران سال قبل را با حس جدیدش مقایسه می‌کند و می‌فهمد بانو لاله را از پروانه نیز بیش‌تر دوست دارد.

از دیگر سو، کمپیل می‌گوید: «صورتی که در خاطره‌ی ماست، همیشه مهربان نیست و این مادرِ بد به صورت‌های زیر نمایان می‌شود: مادری غریب و گریزپا، مادری سرکوب‌گر، منع‌کننده و تنبیه‌گر، مادری که کودک روبه‌رشد را که می‌خواهد از او جدا شود در چنگ خود نگه می‌دارد، مادری محبوب، ولی ممنوع که حضورش و سوسه‌ای برای خواسته‌های خطرناک است» (همان، ۱۱۷). لاله در ادامه‌ی سفر قهرمان داستان، تبدیل به مادرِ بد می‌شود؛ مادری که نمی‌خواهد کودک روبه‌رشدش از او جدا شود. او سعی دارد با گریه‌ها و اعتراضاتش مانع رفتن اشوزدنگه برای جدال با اهریمن گردد، اما اشوزدنگه با اینکه قلباً دوست دارد در کنار بانو لاله بماند، رسالت خود را مهم‌تر می‌بیند و به‌سوی اهریمنان می‌شتابد. از سوی دیگر، لاله صورت مثالی مادر نیکو و خدایانوی لذت‌بخش را نیز در خود دارد. او در لحظات نابینایی اشوزدنگه، همچون مادری دلسوز از او مراقبت می‌کند. نمونه این دلسوزی مادرانه در نقش خدایانو در داستان‌های دیگر نیز مشاهده می‌شود. به‌طور مثال، بهار برای بردیا (رک. آراین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۱۶۰) چنین نقشی را ایفا می‌کند.

جدول ۱۶. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
حس عشق به پروانه	دلباختگی به لاله
رفتن به تالار و سخن با اشوزدنگه	حس کنجکاوی لاله و حضور در خانه همسایه

۳. ۱۷. شکم نهنگ (سوم)

این بخش براساس الگوی کمپیل یکی از کوچه‌های پرپیچ‌وخم سفر قهرمان داستان است. اشوزدنگه در این بخش از داستان نابینا می‌شود، اما باید از درون این تاریکی، نور حق را دوباره ببیند و پاک و طاهر بیرون بیاید. این تولد دوباره، بیش‌تر از دفعات قبل او را به

خودشناسی نزدیک می‌کند. نمونه‌ی این نابینایی در داستان‌های دیگر نیز ملاحظه می‌شود؛ به‌طور مثال، خیر نیز در داستان هفت‌پیکر (رک. نظامی، ۱۳۸۹: ۲۸۴) نابینا می‌شود.

جدول ۱۷. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
درگیری جادوگر از طریق نیروهای ذهن و ریختن آب دوزخ	دستیابی جادوگران به آب نابودگر برکه‌ی دوزخ
حفظ صور با جان و نابینایی	تلاش برای بهترین‌بودن
بینایی جسمی و روحی به دست نجات‌بخش؛ کسب بینش درباره‌ی خود، خدا و دنیا	اندیشیدن به چگونگی مراقبت از صور

۳. ۱۸. فرار جادویی

کمپیل معتقد است «اگر قهرمان دعای خیر خدایانو و یا خدا را پشت سر داشته باشد، مأمور است با اکسیری برای احیای جامعه‌اش به جهان بازگردد. در این حال تمام نیروهای مافوق‌الطبیعه حافظ اویند. اگر قهرمان برخلاف میل نگهبان، گنج غنیمتی را به چنگ آورد یا اگر خدایان و دیوها راضی به بازگشت قهرمان نباشند، آن‌گاه آخرین مرحله‌ی چرخه‌ی اسطوره‌ای تبدیل به تعقیب و گریزی نشاط‌آور و اغلب خنده‌دار می‌شود» (کمپیل، ۱۳۹۶: ۲۰۶). باید بیان کرد که تعقیب‌و‌گریز در این داستان برخلاف بیان کمپیل خنده‌دار یا نشاط‌آور نیست؛ این لحظات داستان سرشار از التهاب و ناراحتی برای شخصیتی است که صدها سال تلاش کرده تا همچون نام خود به درستی و حق‌جویی زندگی بگذرانند. اشوزدنگه در این مرحله با کمک غول چراغ جادو از خطر می‌گریزد. نمونه‌ی این فرار جادویی در داستان دیگری از آرین نیز مشاهده می‌شود. سیاوش نیز با کمک سیمرغ (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۲۵) از مهلکه فرار می‌کند.

جدول ۱۸. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
دست‌کشیدن لاله به چراغ و فرار با کمک غول	نابینایی و درد

۳. ۱۹. امتناع از بازگشت

طبق بیان کمپیل، قهرمان می‌تواند زندگی را با غنیمت خود متحول کند و به تجدید حیات جامعه کمک کند. او باید بازگردد، ولی بارها قهرمانان از انجام این مسئولیت سرباز زده‌اند

(رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۲۰۳). براساس این دیدگاه، در بخشی از داستان که اشوزدنگه نابینا شده است و به آینده و بانو لاله فکر می‌کند، آمده است «اشوزدنگه در دل با خود گفت: ای کاش هر دو جاودانه بودیم و ای کاش زمان نبود و هرگز جدایی نبود!» (آرین، ۱۳۹۶، ج ۳: ۵۴). اشوزدنگه دوست دارد در کنار بانو بماند و زندگی کند. نمونه‌ی امتناع قهرمان از بازگشت در داستان‌های دیگر نیز تشخیص داده شده است؛ به‌طور مثال، تأخیر داراب در بازگشت از سفر (رک. طرسوسی، ۱۳۵۶: ۲۸۴-۲۸۵) یا ازدواج خیر با دختر گُرد (رک. نظامی، ۱۳۸۹: ۲۸۹) نیز چنین نقشی را دارد. با وجود این، می‌توان گفت که این مرحله در داستان اشوزدنگه بسیار کم‌رنگ است؛ شاید اشوزدنگه پیش از ورود به دژ بارها ناامید شده بود، اما از زمانی که به برکت نهایی دست یافته است در انجام مسئولیتی که تا رستاخیز به او سپرده شده است، اندکی تردید ندارد. شاید او در دلش آرزوی زندگی با لاله را داشته باشد، اما در انجام رسالت خود تأخیر نمی‌کند؛ بنابراین این مرحله‌ی در داستان، بسیار کوتاه است. او پس از دستیابی به محبت و بخشش پدر با مسئولیتی که به او سپرده شده است، به میان مردم بازمی‌گردد تا آنچه به دست آورده است را به دیگران نیز برساند.

جدول ۱۹. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
برای لحظاتی دست‌کشیدن از مأموریت	آرزوی ماندن در کنار بانو

۳. ۲۰. دست نجات از خارج

براساس دیدگاه کمپیل، ممکن است برای بازگرداندن قهرمان از سفر ماورایی‌اش نیاز باشد کمکی از خارج به او برسد. در هر حال، او باید همراه با اکسیر خود که نجات‌بخش زندگی و نابودکننده‌ی «من» است، با جامعه روبه‌رو شود (رک. کمپیل، ۱۳۹۶: ۲۱۵-۲۱۶-۲۲۴). در راستای این سخنان کمپیل، اشوزدنگه پس از نابینایی وحشتی نداشت، به حکمت خدا ایمان داشت که راهی پیش پای او خواهد گذاشت. خواب‌دیدن در داستان‌ها یکی از راه‌های نجات معرفی شده است. اشوزدنگه نیز همچون شیخ صنعان که پیامبر (ص) را در خواب دید (رک. عطار، ۱۳۷۰: ۸۳-۸۵) یا سروش که برای نجات سیاوش به خواب گودرز آمد (رک. فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۱۳)، در خواب با نجات‌بخش دیدار می‌کند، شفا می‌یابد و پیام یکتاخدا برای نجات جامعه را از نجات‌بخش می‌گیرد. نقش نجات‌بخشی در

داستان‌های دیگر نیز مشاهده می‌شود؛ به‌طور مثال، اولاد برای رستم (رک. فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۵) و گرگسار برای اسفندیار (فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۲۳۰) نقش نجات‌بخشی دارند.

جدول ۲۰. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
شفای چشمان اشوزدنگه	دیدار مرد نجات‌بخش در رؤیا

۳. ۲۱. جاده‌ی آزمون‌ها (چهارم)

طبق بیان ویتیل، «قهرمان در برهه‌ای از زمان درگیر آزمون بزرگ می‌شود؛ یعنی همان بحران اصلی مرگ و زندگی که طی آن با بزرگ‌ترین ترس خود روبه‌رو می‌شود، به جنگ دشوارترین چالش خود می‌رود» (ویتیل، ۱۳۹۰: ۱۳). اینک آزمون بزرگ اشوزدنگه فرا رسیده است. اشوزدنگه بار دیگر به‌سوی جادوگران، دروازه‌ی دوزخ و جایگاه اهریمن حرکت می‌کند. آزمون حقیقی اشوزدنگه آزمون دیگری است؛ او می‌تواند دشمن دیرینش را به حال خود رها کند، اما چنین نمی‌کند. این آزمون بزرگ قهرمان در داستان دیگری از آرین نیز مشاهده می‌شود؛ ورود بردیا به انجمن مخفی (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۴-۲۹) نیز نقش آزمون سخت را برای بردیا ایفا می‌کند.

جدول ۲۱. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
بیرون‌کشیدن جادوگر از پست‌ترین جای جهان	رهانکردن دشمن

۳. ۲۲. زن در نقش وسوسه‌گر (دوم)

اهریمن در دروازه‌ی دوزخ در نقش زن وسوسه‌گر ظاهر می‌شود که می‌خواهد نه‌تنها صور را به دست بیاورد، بلکه اشوزدنگه را نیز از راهی که در آن گام نهاده است، منصرف کند. او سعی دارد قهرمان را از هدفش باز دارد. این وسوسه‌کردن قهرمان در داستان‌های دیگر نیز مشاهده می‌شود؛ افسون‌های جنگل برای سیاوش (رک. آرین، ۱۳۹۰، ج ۲: ۹۴) نیز نقش وسوسه‌گری دارد.

جدول ۲۲. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
بی‌توجهی اشوزدنگه	ترغیب‌شدن وی به‌وسيله‌ی اهریمن برای همراهی

۳.۲۳. عبور از آستان بازگشت

کمپیل درباره‌ی این مرحله معتقد است «این دو جهان یعنی جهان الهی و جهان بشری در حقیقت یکی هستند. قلمرو خدایان بعد فراموش شده‌ای از جهانی است که ما می‌شناسیم و کشف این بُعد معنای کلی عمل قهرمان است. آسان‌ترین راه، سپردن جامعه به دست شیطان و بازگشت دوباره به دل صخره‌ی بهشتی و بستن و محکم کردن پشت در است» (کمپیل، ۱۳۹۶: ۲۲۴-۲۲۵). اشوزدنگه جامعه را به دست شیطان نمی‌سپرد. او با شجاعت و با وجود اینکه می‌داند شاید بازگشتی در این راه نباشد، به خاطر نجات جهان به سوی اهریمن می‌شتابد تا رسالتی که بر دوشش گذاشته شده است، یعنی پیام خدا را به اهریمن برساند. او حتی تلاش می‌کند جادوگران را از چنگال اهریمن نجات دهد و به سوی یکتاخدا بازگرداند.

جدول ۲۳. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
بشارت اشوزدنگه به تغییر، مرگ جادوگر	نجات جادوگر و اعترافش

۳.۲۴. ارباب دو جهان

به باور کمپیل، «هنر ارباب دو جهان آزادی عبور و مرور از سوی تجلیات زمان به سوی اعماق سبب‌ساز و بازگشت از آن است» (همان، ۲۳۷)؛ «انسان از تمام محدودیت‌های فردی، خصوصیات اخلاقی، وحشت‌ها و امیدها رها می‌شود و دیگر از فنای خویشتن که پیش‌شرط تولد مجدد است، هراسی ندارد و آن تولد مجدد راهی برای درک حقیقت و آمادگی برای یکی شدن نهایی است. جاه‌طلبی‌های فردی در این راه کاملاً از بین می‌رود. هر آنچه بر او آید، در کمال آرامش پذیراست و هر نام و نشانی را از دست می‌دهد» (همان، ۲۴۳-۲۴۴). اشوزدنگه جاه‌طلبی‌هایش برای رهایی از جاودانگی و عشق لاله را کنار گذاشت و بدین‌سان به ارباب دو جهان تبدیل شد. او در اینجا نقش پدر را نیز برای لاله بازی می‌کند و باعث می‌شود این دختر ملتمسانه خدا را بخواند. ارباب دو جهان شدن در داستان‌های دیگر نیز تشخیص داده شده است؛ درک حقایق و کسب دانایی برای پیرچنگی (رک. مولوی، ۱۳۸۸: ۱۷۹) او را به یکی شدن با حق رساند.

جدول ۲۴. اتفاقات و پیامدهای مرحله

پیامد	اتفاق
جوانه‌ی یاد خدا درون لاله	دعای لاله برای نجات اشوزدنگه
پاک کردن یاد خود از ذهن لاله	نشانه‌ی عشق در ذهن لاله
رودرویی با دشمن بدون هراس	دستیابی به حقیقت
اثر نداشتن وسوسه‌ها	ازبین رفتن جاه‌طلبی‌ها
تجربه‌نکردن اندوه پیری	رها کردن لاله
ماندن غول	آزاد کردن غول طبق پیمان
بخشیدن دار و ندارش	پاک کردن نام و نشانی

۲۵.۳. رها و آزاد در زندگی

اشوزدنگه و غول چراغ به‌همراه صور به کوه البرز نقل مکان می‌کنند و در انتظار «آن کارِ بزرگ» می‌مانند. کمپیل می‌گوید: «اگر انسان نتیجه و ثمره‌ی اعمالش را در دامان خداوند بگذارد، به واسطه‌ی آن‌ها رها می‌شود» (کمپیل، ۱۳۹۶: ۲۴۵)؛ «او تغییرناپذیری ظاهری در دلِ زمان را با ابدیت بودن اشتباه نمی‌گیرد و از لحظه‌ی بعد نمی‌هراسد» (همان، ۲۵۰). در راستای گفته‌های کمپیل، اشوزدنگه از تغییرناپذیری ظاهری‌اش در طول زمان، به فضای ابدیت یکتاخدا وارد و در آن غوطه‌ور می‌شود. او خود را در تقدیر خداوندی رها می‌کند تا منتظر فرمانش بماند و صور را به فرشته‌ای که مأمور به نواختن آن است، بسپارد. بنابراین می‌توان گفت رهاورد او از سفرش برای خود و جهان، آرامش، انتظار برای آمدن منجی و نابودی اهریمن را بوده است. نابودی دشمن و کسب آرامش در داستان‌های دیگر نیز دیده شده است؛ داراب نیز با دفع دشمن و کسب آرامش، به رهایی و آزادی دست یافت (رک. طرسوسی، ۱۳۵۶: ۳۴۵-۳۵۶). همچنین این مرحله منتهای فرایند فردیت یونگ (رک. بهرامی‌رهنما و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۹) نیز هست و بدین ترتیب، اشوزدنگه همان‌طور که فرایند فردیت خود را به پایان می‌رساند، در پایان سفر خود در الگوی کمپیل نیز به کمال می‌رسد و از بند غیر از خدا رها می‌شود.

مراحل الگوی سفر قهرمان کمپیل در داستان در جدول زیر آمده است:

جدول ۲۵. مراحل الگوی سفر قهرمان کمپبل در داستان اشوزدنگه

مرحله	نام مرحله	رخداد
۱	دعوت به آغاز سفر	سرکشیدن معجون جاودانگی و متهم شدن به قتل استاد
۲	عبور از نخستین آستان	افتادن به سیاه‌چال و گودال شیرها
۳	شکم نهنگ (اول)	بیناشدن در دخمه‌ی مردگان
۴	ردّ دعوت	ازدواج با پروانه
۵	امداد غیبی (اول)	حضور سبزپوش، دادن نشانی شاه‌جن و یافتن نشانی از ورجمکرد
۶	زن در نقش وسوسه‌گر (اول)	دیدار با ملکه
۷	جاده‌ی آزمون‌ها (اول)	دوبار نجات هوشتره از دست آشوریان
۸	امداد غیبی (دوم)	دیدار با حضرت مسیح (ع) و قرائت قرآن مجید
۹	جاده‌ی آزمون‌ها (دوم)	رفتن به کاخ هارون‌الرّشید برای یافتن کتابی از ورجمکرد
۱۰	جاده‌ی آزمون‌ها (سوم)	نجات زنان ایرانی از چنگال مغولان
۱۱	امداد غیبی (سوم)	دیدار با پیرمرد سبزپوش
۱۲	شکم نهنگ (دوم)	دیدار ضحاک در غار و یافتن رمز ورجمکرد
۱۳	آشتی و هماهنگی با پدر	دیدار کیخسرو و دریافت صور
۱۴	خدایگان	سپرده شدن صور به او و نجات تمام انسان‌ها
۱۵	برکت نهایی	خودشناسی و خودآگاهی و در پس آن خداشناسی
۱۶	ملاقات با خدایان	دیدار با لاله
۱۷	شکم نهنگ (سوم)	نابینایی در جدال با جادوگر
۱۸	فرار جادویی	فرار و نجات به دست غول چراغ جادو
۱۹	امتناع از بازگشت	فکر زندگی در کنار لاله
۲۰	دست نجات از خارج	دیدار نجات‌بخش در رؤیا
۲۱	جاده‌ی آزمون‌ها (چهارم)	ورود به دروازه‌ی دوزخ و درگیری با جادوگران
۲۲	زن در نقش وسوسه‌گر (دوم)	وسوسه‌های اهریمن برای دادن صور و همراه شدن با او
۲۳	عبور از آستان بازگشت	بازگشتن از دروازه‌ی دوزخ و نجات جادوگر
۲۴	ارباب دو جهان	بخشیدن دارایی‌ها به لاله و رهاکردن او
۲۵	رها و آزاد در زندگی	آرامش و انتظار برای آمدن منجی و رستاخیز و نابودی ابدی اهریمن

۴. تفاوت‌های مراحل الگوی سفر قهرمان کمپیل و روایت داستان

در روایت داستان/اشوزدنگه، برخی مراحل جابه‌جا یا تکرار شده‌اند؛ بدین ترتیب که مراحل شکم نهنگ، امداد غیبی، زن در نقش وسوسه‌گر و جاده‌ی آزمون‌ها هرکدام به ترتیب سه، سه، دو و چهار بار در داستان تکرار شده‌اند. فقط تکرار مرحله‌ی زن در نقش وسوسه‌گر در ابتدا، دیدار با خدایانو تشخیص داده شده بود که طی تحلیل‌های انجام گرفته، مشخص گردید ویژگی‌های آن مراحل با ویژگی‌های دیدار با خدایانو مشابهت ندارد. از سوی دیگر، برخی از ازدواج‌های داستان فقط به علت عمر طویل شخصیت داستان بوده و شخصیت‌پردازی خاصی درباره‌ی آنان صورت نگرفته است و ویژگی خدایانویی در آن شخصیت‌ها دیده نشد. شخصیت پروانه می‌توانست برخی از ویژگی‌های خدایانویی را دارا باشد، اما اشوزدنگه در زمان دیدار با پروانه هنوز از جاده‌ی آزمون‌های خود گذر نکرده بود تا به موهبت خدایانو دست یابد. از سویی نیز اشوزدنگه در پایان داستان به عشق شدیدتر خود به لاله اعتراف می‌کند. همچنین ذکر این نکته اهمیت دارد که مرحله‌ی امتناع از بازگشت در این داستان، کم‌رنگ و از لحاظ زمانی بسیار کوتاه بود. به علت تکرار مراحل در داستان، مراحل شناسایی‌شده‌ی الگوی کمپیل در داستان از هفده به ۲۵ مرحله افزایش یافت. با مقایسه‌ی مراحل در داستان با الگوی اصلی ملاحظه می‌شود که برخی مراحل (نسبت به رخداد اول مرحله) جابه‌جا شده‌اند که در جدول ذکر شده است.

جدول ۲۶. مقایسه‌ی مراحل الگوی اصلی سفر قهرمان کمپیل و داستان

شماره‌ی مرحله	مراحل الگوی اصلی کمپیل	مراحل الگوی کمپیل در داستان	وضعیت مراحل در مقایسه با الگوی کمپیل
۱	دعوت به آغاز سفر	دعوت به آغاز سفر	جابه‌جایی ندارد
۲	ردّ دعوت	عبور از نخستین آستان	جابه‌جایی دارد
۳	امداد غیبی	شکم نهنگ (اول)	جابه‌جایی دارد
۴	عبور از نخستین آستان	ردّ دعوت	جابه‌جایی ندارد
۵	شکم نهنگ	امداد غیبی (اول)	جابه‌جایی ندارد
۶	جاده‌ی آزمون‌ها	زن در نقش وسوسه‌گر (اول)	جابه‌جایی دارد
۷	ملاقات با خدایانو	جاده‌ی آزمون‌ها (اول)	جابه‌جایی ندارد
۸	زن در نقش وسوسه‌گر	امداد غیبی (دوم)	تکرار
۹	آشتی و هماهنگی با پدر	جاده‌ی آزمون‌ها (دوم)	تکرار
۱۰	خدایگان	جاده‌ی آزمون‌ها (سوم)	تکرار

۱۱	برکت نهایی	امداد غیبی (سوم)	تکرار
۱۲	امتناع از بازگشت	شکم نهنگ (دوم)	تکرار
۱۳	فرار جادویی	آشتی و هماهنگی با پدر	جابه‌جایی ندارد
۱۴	دست نجات از خارج	خدایگان	جابه‌جایی ندارد
۱۵	عبور از آستان بازگشت	برکت نهایی	جابه‌جایی ندارد
۱۶	ارباب دوجهان	ملاقات با خدایانو	جابه‌جایی دارد
۱۷	آزاد و رها در زندگی	شکم نهنگ (سوم)	تکرار
۱۸		فرار جادویی	جابه‌جایی دارد
۱۹		امتناع از بازگشت	جابه‌جایی ندارد
۲۰		دست نجات از خارج	جابه‌جایی ندارد
۲۱		جاده‌ی آزمون‌ها (چهارم)	تکرار
۲۲		زن در نقش وسوسه‌گر (دوم)	تکرار
۲۳		عبور از آستان بازگشت	جابه‌جایی ندارد
۲۴		ارباب دوجهان	جابه‌جایی ندارد
۲۵		رها و آزاد در زندگی	جابه‌جایی ندارد

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مراحل الگوی سفر قهرمان کمپبل در داستان اشوزدنگه بررسی و تحلیل شد. در این بررسی، پیش‌فرض اول تحقیق تأیید گردید و بدین ترتیب، قهرمان در رمان اشوزدنگه بر اهریمن پیروز و به ارباب دو جهان تبدیل شد، اما پیش‌فرض دوم پژوهش به‌طور کامل تأیید نشد؛ به‌طوری که تکراری در مرحله‌ی دیدار با خدایانو ملاحظه نشد. همچنین، محققان در برخی مراحل الگوی سفر قهرمان کمپبل در داستان تفاوت‌هایی را مشاهده کردند. همه‌ی مراحل الگوی سفر قهرمان کمپبل به‌طور کامل در داستان اشوزدنگه وجود دارد و هیچ‌یک از مراحل الگو در داستان حذف نشده است، اما برخی مراحل جابه‌جا یا تکرار شده‌اند؛ مراحل شکم نهنگ، امداد غیبی، زن در نقش وسوسه‌گر و جاده‌ی آزمون‌ها در داستان، تکرار و مراحل عبور از نخستین آستان، شکم نهنگ، زن در نقش وسوسه‌گر، ملاقات با خدایانو و فرار جادویی جابه‌جا شده‌اند. امیرخانی (۱۳۹۲) و ذبیحی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که برخی از نمایش‌نامه‌های بیضایی و داستان داراب‌نامه به‌طور کامل از الگوی سفر قهرمان کمپبل پیروی نمی‌کنند.

براساس بررسی صورت گرفته، می‌توان گفت که الگوی سفر قهرمان کمپیل با اینکه الگویی برآمده از داستان‌های مختلف قهرمانی است و با تحقیق و تفحص در متون شرق و غرب به دست آمده است، نمی‌تواند به‌طور کامل جوابگوی همه‌ی رخداد‌های داستانی باشد. می‌توان چنین بیان کرد که داستان به دلیل بیان وقایع تاریخی در قالب شخصیت، اشاره به جدال همیشگی حق و باطل و پیروزی نهایی حق در طول تاریخ و ویژگی‌های خاص شخصیت داستان از جمله جاودانگی و عمر طویل، به‌طور کامل از الگوی سفر قهرمان کمپیل پیروی نکرده است و برخی مراحل در این داستان تکرار یا جابه‌جا شده‌اند. با وجود این، پژوهش نشان داد که این داستان در جزئیات با داستان‌های مختلف قهرمانی یکسان است و از کلیت الگوی سفر قهرمان کمپیل پیروی می‌کند.

یادداشت

(۱). جایزه‌ی نخستین جشنواره‌ی مهدی‌آذریدی در ۱۳۹۴، جایزه‌ی پایور در ۱۳۹۴، جایزه‌ی داستان تألیفی برگزیده از شورای کتاب کودک در ۱۳۹۴ و پنج‌ستاره‌ی هفدهمین فهرست لاک‌پشت پرنده در تابستان ۱۳۹۵.

منابع

- قرآن مجید. (۱۳۷۶). ترجمه‌ی محمدمهدی فولادوند، تهران: مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آرین، آرمان. (۱۳۹۰). *پارسیان و من، کاخ اژدها: ضحاک ماردوش*. ج ۱، تهران: موج.
- _____ (۱۳۹۰). *پارسیان و من، راز کوه پرنده: رستم داستان*. ج ۲، تهران: موج.
- _____ (۱۳۹۰). *پارسیان و من، رستاخیز فرا می‌رسد: کوروش بزرگ*. ج ۳، تهران: موج.
- _____ (۱۳۹۶). *اشوزدنگهه: اسطوره‌ی هم‌کنون*. ج ۱، تهران: موج.
- _____ (۱۳۹۶). *اشوزدنگهه: اهریمنان یگه‌تاز*. ج ۲، تهران: موج.
- _____ (۱۳۹۶). *اشوزدنگهه: حماسه‌ی نجات بخش*. ج ۳، تهران: موج.
- آقاجانی زلّتی، سمیه. (۱۳۹۱). *بررسی کهن‌الگوی سفر قهرمان در شاهنامه*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه مازندران.
- امامی، نصراله و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل منظومه‌ی مانلی نیما یوشیج براساس الگوی سفر قهرمان کمپیل». *شعر پژوهی (بوستان ادب)*، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۶، صص ۱-۲۰.

- امیرخانی، حسن. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه اسطوره در آثار سینمایی و نمایشی بهرام بیضایی با الگوی سفر قهرمان کمپیل. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ایروانی، فاطمه و همکاران. (۱۳۹۴). «تحلیل داستان شیخ صنعان در منطق الطیر عطار براساس کهن‌الگوی سفر قهرمان کمپیل». مجموعه مقاله‌های دهمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، صص ۲۳۱-۲۴۱.
- بهرامی رهنما، خدیجه و همکاران. (۱۳۹۴). «نقد کهن‌الگویی منظومه‌ی بانوگشسب‌نامه». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. دوره‌ی ۱۱، شماره‌ی ۴۰. صص ۱۳۵-۱۶۴.
- پاکرو، فاطمه. (۱۳۹۴). «تحلیل مقایسه‌ای تقابل پدر و پسر در حماسه‌ها (رستم و سهراب؛ ارجن و برباهن هندی)». مجموعه‌ی مقاله‌های دهمین همایش ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، صص ۴۷۰-۴۷۹.
- پیرصوفی املشی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۵). «طرحی نو در خلق شخصیت‌های اساطیری». نقد کتاب، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱۲. صص ۲۹-۳۷.
- حسین پور، سارا. (۱۳۹۱). بررسی کهن‌الگوی سفر در سه‌گانه‌ی پارسیان و من. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- حسینی، مریم و همکاران. (۱۳۹۱). «سفر قهرمان در داستان حمام بادگرد براساس شیوه‌ی تحلیل کمپیل و یونگ». ادب پژوهی، شماره‌ی ۲۲، صص ۳۳-۶۳.
- ذبیحی، رحمان و همکاران. (۱۳۹۵). «تحلیل کهن‌الگوی سفر قهرمان در داراب‌نامه‌ی طرسوسی براساس الگوی کمپیل». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۴۵، صص ۹۱-۱۱۸.
- ریحانی فرد، علی اصغر. (۱۳۹۰). نمادشناسی کهن‌نمونه‌ها در قصه‌های فارسی شیخ اشراق براساس الگوی اسطوره‌ی یگانه. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- طاهری، محمد و همکاران. (۱۳۹۲). «تبیین کهن‌الگوی سفر قهرمان براساس آرای یونگ و کمپیل در هفت‌خوان رستم». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۳۲. صص ۱-۲۰.
- طرسوسی، ابوطاهر. (۱۳۵۶). داراب‌نامه، تصحیح ذبیح‌الله‌صفا. تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- عبدالله‌زاده‌برزو، راحله و همکاران. (۱۳۹۸). «نقد کهن‌الگویی سفر قهرمان در داستان ماهی سیاه کوچولو براساس نظریه‌ی کمپیل و پیرسن». مطالعات ادبیات کودک، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱، پیاپی ۱۹، صص ۱۰۱-۱۲۲.

- عطارنیشابوری، فریدالدین. (۱۳۷۰). *منطق الطیر، مقامات طیور* (به کوشش سیدصادق گوهرین). تهران: علمی فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). *دفتر یکم شاهنامه‌ی فردوسی* (به کوشش جلال خالقی مطلق و احسان یارشاطر). نیویورک: مزدا.
- _____ (۱۳۶۹). *دفتر دوم شاهنامه‌ی فردوسی* (به کوشش جلال خالقی مطلق و احسان یارشاطر). نیویورک: مزدا.
- _____ (۱۳۷۵). *دفتر پنجم شاهنامه‌ی فردوسی* (به کوشش جلال خالقی مطلق و احسان یارشاطر). نیویورک: مزدا.
- فولادی، محمد و همکاران. (۱۳۹۷). «بررسی و نقد داستان بیژن و منیژه براساس کهن‌الگوی سفر قهرمان کمپیل». *علوم ادبی، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱۳*، صص ۸۷-۱۰۷.
- کمپیل، جوزف. (۱۳۹۶). *قهرمان هزارچهره*، ترجمه‌ی شادی خسروپناه، مشهد: گل آفتاب.
- محمدی، محمدحسین. (۱۳۹۱). *قصه‌های قرآن (از آدم تا خاتم)*، تاریخ انبیا. قم: بوستان دانش.
- معصوم، حسین. (۱۳۸۴). «اسم اعظم چیست؟». *فلسفه‌ی دین*، شماره‌ی ۴، صص ۷۳-۸۶.
- معقولی، نادیا و همکاران. (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی کهن‌الگوی سفر قهرمان در محتوای ادبی و سینمایی». *مطالعات تطبیقی هنر*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳، صص ۸۷-۹۹.
- ملکی‌سروستانی، فرناز. (۱۳۹۴). «بررسی سفر قهرمان در سه‌گانه‌ی اشوزدنگه از آرمان آرین». *همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی*، تهران.
- منصوری‌زاده، مهشید. (۱۳۹۵). *نقد و تحلیل محتوایی رمان سه‌گانه‌ی پارسیان و من اثر آرمان آرین*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق‌اردبیلی اردبیل.
- مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۸۸). *چهل داستان از مثنوی*. به کوشش نادرزین پور، تهران: امیرکبیر.
- نظامی، الیاس. (۱۳۸۹). *هفت پیکر*. به کوشش سعیدحمیدیان، تصحیح و حیددستگردی، تهران: قطره.
- ورزدار، لیلا. (۱۳۹۵). *بررسی نظریه‌ی سفرقهرمان در منطق الطیر و مصیبت‌نامه‌ی عطار با رویکرد تک‌اسطوره‌ی کمپیل*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- ویتیلا، استوارت. (چاپ دوم ۱۳۹۰). *اسطوره و سینما، کشف ساختار اسطوره‌ای در ۵۰ فیلم به یادماندنی*. ترجمه‌ی محمدگذرآبادی، تهران: هرمس.
- یدالهی‌شاهراه، رویا. (۱۳۹۲). «تکامل شخصیت وهاب درزمینه‌ی عشق درداستان خانه‌ی ادریسی‌ها بر مبنای الگوی سفرقهرمان کمپیل». *نقد ادبی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۴*، صص ۱۶۹-۱۹۸.

**A Study of the Hero's Journey in Arman Aryan's Trilogy
Ashvazdangaheh Based on Joseph Campbell's Monomyth of the
Hero's Journey**

Nastaran Gharehbaghi

Imam Reza International University of Mashhad

Mohammad Javad Mahdavi

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature,
Ferdowsi University of Mashhad

Introduction

Archetypes are common concepts that are embedded in the collective unconscious of human beings. Joseph Campbell had an undeniable effect on mythological criticism with his theory of “monomyth” and his analysis of the sequence of heroic actions. According to Campbell, the passage from each period of life is accompanied by the performance of certain rituals, one of the most important of which is the maturity and entry of the child into adulthood. The period of adolescence plays an important role in the formation of one's identity and the imitation of the hero becomes more intense. If the adolescent learns valuable concepts in the pattern of the hero's journey, he/she will become a better human being.

Arman Aryan has made an effort to write heroic stories for adolescents. His trilogy called *Ashvazdangaheh* attracted the attention

of both critics and reading public and won several awards. His attention to mythology and valuable concepts in the stories is remarkable. The journey of the first character of the story, who is transformed from an immature adolescent to a mature adult, and his liberation from ambition, has the capacity to be studied from a mythological point of view and the hero's journey pattern can be used to provide a structural framework for the transformation process of heroes into sublime human beings. Hence, the researchers employed this fundamental mythological theory as a basis to study *Ashvazdangaheh* trilogy.

Methodology, Review of Literature and Purpose

The present study uses a library method for collecting data and a descriptive method (qualitative analysis) for analyzing Arman Aryan's *Ashvazdangaheh* trilogy (with titles *Contemporary Myth*, *Invincible Devils*, *Emancipatory Epic*) based on Campbell's heroic journey theory. The research presuppositions are as follows: the hero of *Ashvazdangaheh* becomes immortal; he wins in the inner battle and the battle against the devil's wizards and becomes the master of the two worlds; and the steps of the belly of the whale, the supernatural aid, the meeting with the goddess and the road of trials from Campbell's hero's journey pattern are repeated in the novel.

Numerous researches have been conducted on the archetype of the hero's journey, such as Reyhanifard (2011), Aghajani (2012), Ma'qouli et.al. (2012), Taheri & Aghajani (2013), and Abdullahzadeh & Reyhani (2020). Also, Yadollahi (2013), Amirkhani (2013), Emami et.al. (2015), Irvani et.al. (2015), Zabihi & Peykani (2016), Varzdar (2016) and Fooladi & Rahmani (2018) have studied Campbell's pattern

of hero's journey; and Pirsufi & Maleki (2016), Mansourizadeh (2016) and Hosseinpour (2012) have analyzed Aryan's stories. Studies have revealed the need for more researches on this model for the purposeful writing of adolescent stories. By selecting this topic, the researchers tried to cover a part of this research gap in children and adolescent literature.

Discussion

Campbell recognized three general phases of departure, initiation, and return, and seventeen steps in the hero's journey. The present article tries to analyze the novel *Ashvazdangaheh* based on Campbell's pattern. The main character of the story is invited to the adventure by drinking the potion of immortality. He is unable to separate from his mistress and refuses the call. A supportive creature in the role of a green-clad old-man guides him. He becomes resolute to continue the quest after meeting the prophets, reading the scriptures, and using the spiritual weapon of the name of God. He has to beat wizards, soldiers and the "moghan" to cross the threshold. According to Campbell, the hero is swallowed up by the unknowns; Ashvazdangaheh loses his eyes in the lions' pit and is trapped in the crypt of the dead. He also walks in the darkness of the cave until he sees the truth. At the end of the story, Ashvazdangaheh goes blind, but he can see the light of truth again.

On his "road of trials", he accepts the danger of entering the palace and receives a book and fights with the Mongols to save the captives; however, his most difficult challenge is to enter the devil's place. Lady Laleh in the role of the goddess is a blessing for Ashvazdangaheh, since she is his source of solace in the battle with the

devils. Ashvazdangaheh becomes free from the temptation of ambition and leaves the queen. The devil also appears in the role of “the woman as the temptress”.

According to Campbell, one can reconcile with the father by leaving behind the dual monster who thinks he is God. Meeting with Keykhosrow helps Ashvazdangaheh in achieving perfection. After that, Ashvazdangaheh becomes a mystic figure who wants to save the lives of all human beings and guide them toward God. After this apotheosis, he attains the “ultimate boon” of self-awareness and knowing God. According to Campbell, the heroes refuse to return and Ashvazdangaheh likes to live with the lady; however, he escapes by the help of the giant of the magic lamp. Having gone blind, he needs to be rescued and is healed by a savior while sleeping.

Campbell also believes that the divine world and the human world are one. Discovering the forgotten dimension of the realm of the gods is the meaning of the hero's action. According to Campbell, after this journey, the person is freed from all the personal limitations and is no longer afraid of his/her own doom. In this story, Ashvazdangaheh abandons his ambitions and becomes the master of the two worlds. Eventually, he is immersed in the atmosphere of monotheism and brings peace, anticipation for the coming of the savior and the destruction of the devil from his journey.

Conclusion

In this study, the steps of Campbell's hero's journey pattern were analyzed in *Ashvazdangaheh* and the first hypothesis of the research was confirmed; i.e., the hero of *Ashvazdangaheh* defeated the devil and

became the master of the two worlds. However, the second hypothesis of the research was not fully confirmed since no repetition was observed in the step of meeting with the goddess. None of the steps have been omitted from the story, but the steps of the belly of the whale, the supernatural aid, the woman as the temptress and the road of trials are repeated 3, 3, 2 and 4 times in the story, respectively. Also, the steps of crossing the first threshold, the belly of the whale, the woman as the temptress, meeting with the goddess and the magical flight have shifted in place. As a result, the steps of the pattern are increased from 17 to 25 steps.

Although Campbell' hero's journey pattern is written by examining both eastern and western heroic texts and stories, it cannot account for all the events of the story. The story, due to the narration of historical events, the everlasting struggle between good and evil, and the presence of features of the character's immortality, does not completely follow Campbell's model and some steps are repeated or shifted. In spite of this fact, the research shows that this story is identical in detail with other heroic stories and follows the general pattern of Campbell's heroic journey.

Keywords: Arman Aryan, Ashvazdangaheh, Hero's journey, Campbell, Archetype

References:

Abdullahzadeh Borzoo, R. & Rihani, M. (2019). Critique of the archetype of the hero's journey in the story of *The little black*

fish based on Campbell's and Pearson's theory. *Journal of Children's Literature Studies*, 10 (19), 101-122.

Aghajani-Zlati, S. (2012). A study of the archetype of the hero's journey in *Shahnameh*. Master Thesis. Mazandaran University.

Amirkhani, H. (2013). A study of myth place in Bahram Beyzayi's cinematic and dramatic works with the model of Campbell's hero's journey. Master Thesis. University of Sistan and Baluchestan.

Aryan, A. (2011). *Persians and I, dragon palace: Zahhak Mardoosh* (10th edition). Moj.

Aryan, A. (2011). *Persians and I, The secret of the bird mountain: Rostam Dastan*. Moj.

Aryan, A. (2011). *Persians and I, the resurrection is coming: the Great Kurosh*. Moj.

Aryan, A. (2017). *Ashvazdangaheh: Contemporary myth*. Moj.

Aryan, A. (2011). *Ashvazdangaheh: Invincible devils*. Moj.

Aryan, A. (2011). *Ashvazdangaheh: Emancipatory epic*. Moj.

Attar Neyshabouri, F. D. (1991). *Mantegh-ot-tair, birds' authorities* (S.S. Gogaharin, Ed.). Elmi-Farhangi.

Bahrami-Rahnama, K. & Tavousi, M. (2015). A Critique of the archetype of the Banu Gashbna'meh poem. *Mystical and Mythological Literature*, 11 (40), 135-164.

Campbell, J. (2017). *The hero with a thousand faces* (S. Khosropanah, Trans) (8th edition). Gole aftar.

Emami, N., Tashkari, M., Salehi Mazandarani, M. R. & Keshavarz Moayedi, A. (2015). Study and analysis of Manley Nima Yushij's poem based on Campbell's hero journey pattern.

Poetry Research (Literature Garden) Shiraz University, 7 (26), 1-20.

Ferdowsi, A. Q. (1987). *The first book of Ferdowsi's Shahnameh* (J. K. Motlagh & E. YarShater, Eds.). Mazda.

Ferdowsi, A. Q. (1990). *The second book of Ferdowsi's Shahnameh* (J. K. Motlagh & E. YarShater, Eds.). Mazda.

Ferdowsi, A. Q. (1996). *The fifth book of Ferdowsi's Shahnameh* (J. K. Motlagh & E. YarShater, Eds.). Mazda.

Fouladi, M. & Rahmani, M. (2018). Review and critique of the story of Bijan and Manijeh based on the archetype of Campbell's hero's journey. *Literary sciences*, 8 (13), 87-107.

Hosseini, M. & Shakibi-Mumtaz, N. (2012). The journey of the hero in the story of the *Badgard Bath* based on the methodology of Campbell and Jung. *Literature Researching*, Vol. 22, 33-63.

Hosseinpour, S. (2012). A study of the archetype of journey in the trilogy of *Persians and I*. Master Thesis. Shiraz university.

Irvani, F., Hatami, S. & Shakeri, J. (2015). Analysis of the story of *Sheykh San'an* in Attar's *Mantegh-ot-tair* based on the archetype of Campbell's hero journey. Collection of articles of the 10th Persian Language and Literature Research Conference, 231-241.

Mansoorizadeh, M. (2016). Content critique and analysis of the trilogy novel *Persians and I* by Arman Aryan. Master Thesis. Faculty of Literature, Ardabil University, Ardabil.

Ma'qooli, N., Sheikh-Mahdi, A. & Ghobadi, H. A. (2012). A comparative study of the archetype of the hero's journey in

- literary and cinematic content. *Comparative Studies of Art*, 2 (3), 87-99.
- Ma'soom, H. (2005). What is the Great Name? *Philosophy of Religion*, No. 4, 73-86.
- Mohammadi, M. H. (2012). *Stories of the Quran, from Adam to Khatam, History of the Prophets*. Boostan-e Danesh.
- Mowlawi, J. D. (2009). *Forty stories from Mathnavi* (N. Vazinpour, Ed.). Amir-kabir.
- Nezami, E. (2010). *Haft Peykar [Seven Bodies]*. (S. Hamidian & V. Dastgerdi, Eds.). Ghatreh.
- Pakro, F. (2015). Comparative analysis of father-son confrontation in epics (Rostam and Sohrab; Indian Arjan-o-Barb'ahan). Articles collection of the 10th Conference on the Promotion of Persian Language and Literature at Mohaqeq Ardabil University, 470-479.
- Pirsufi-Amlashi, Z. & Maleki, F. (2016). A new plan in creating mythical characters. *Book Review*, 3 (12), 29-37.
- Quran* (M. M. Fooladvand, Trans.) (1997). Studies of Islamic History and Knowledge.
- Rihanifard, A. A. (2011). The symbolism of archetypes in Sheykh Ishraq's persian stories based on a monomyth pattern. Master Thesis. University of Sistan and Baluchestan.
- Taheri, M. & Aghajani, H. (2013). Explaining the archetype of the hero's journey based on the views of Jung and Campbell in Rostam's seven steps. *Mystical and Mythological Literature*, 9 (32), 1-20.

- Tarsusi, A. T. (1977). *Darabnameh* (Z. Safa, Ed.) Translation and Publication of Books.
- Varzdar, L. (2016). A study of the theory of the hero's journey in Attar's *Mantegh-ot-tair* and *Mosibatname* from Campbell's monomyth approach. Master Thesis, Azad University, Tehran.
- Vitila, S. (2011). *Myth and cinema: Discovering the mythical structure in 50 memorable films* (M. Gozarabadi, Trans.). Hermes.
- Yadali-Shahrah, R. (2013). The evolution of the character of Vahhab in the field of love in the novel *Edrisis' House* based on the Campbell's hero's journey pattern. *Literary Criticism*, 6 (24), 169-198.
- Zabihi, R. & Peykani, P. (2016). Analysis of the archetype of the hero's journey in Tarsusi's *Darabnameh* based on Campbell's model. *Mystical and Mythological Literature*, 12 (45), 91-118.